

تأثیر عامل انرژی بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا

علی ایلخانی پور^۱

سمیه بهرامی^۲

نزدیکی جغرافیایی روسیه و اتحادیه اروپا؛ نفوذ و تأثیر سیاسی، امنیتی و اقتصادی مسکو؛ حجم بالای تجارت بین طرفین و نیز حوزه حساس انرژی (نفت و گاز)، همکاری و مشارکت بین روسیه و اتحادیه اروپا را اجتناب ناپذیر ساخته است. هرچند روسیه یکی از شرکای پیچیده برای اتحادیه اروپا به‌شمار می‌آید، اما بهبود تعامل بین مسکو و بروکسل امکان‌پذیر و تابعی از ادغام اهداف مربوط به خط‌مشی طرفین در مسایل راهبردی از جمله عامل تضمین امنیت عرضه انرژی است. امنیت انرژی یکی از چالش برانگیزترین حوزه‌های گفتگو و همکاری میان مسکو و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. عامل انرژی از دهه ۶۰ میلادی به بعد به افزایش روابط رسمی و غیر رسمی روسیه با کشورهای اروپایی کمک کرده است.

مقاله حاضر بر این ادعا است که «بهبود و ارتقاء روابط میان روسیه و اتحادیه اروپا تا حد زیادی مشروط به همکاری متقابل آنان در حوزه انرژی است. بنابراین بازتعریف روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا و اهداف اصلی سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا و بالعکس در این زمینه حایز اهمیت بسیار می‌باشد». از این منظر، تفاوت درجه وابستگی متقابل در روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا، اختلاف منافع و اهداف طرفین در حوزه سیاستگذاری انرژی، تاکنون تأثیر منفی بر روابط طرفین در این حوزه راهبردی داشته است.

واژگان کلیدی: روسیه، اتحادیه اروپا، امنیت انرژی، ناباکو، کومکون، نفت و گاز طبیعی.

^۱ . نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

Email: ali2148@ yahoo.com

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: bahramisomaye83@ yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۲۹

مقدمه

از آنجا که انرژی نقش مهمی در امنیت، عملکرد و رقابت بازیگران بین‌المللی ایفا می‌کند، دولت‌ها انرژی را به عنوان بخشی از ابزارهای اقتصادی، سیاسی و راهبردی خود در نظر می‌گیرند و اغلب در مباحث مربوط به انرژی دخالت می‌کنند؛ به ویژه در حوزه تجارت گاز به خاطر ارتباط فیزیکی که میان تولیدکننده، مصرف‌کننده و کشورهای ترانزیت برقرار می‌شود، همکاری و تعامل مستلزم تعهد بالایی از طرفین است.

امنیت انرژی یکی از چالش برانگیزترین حوزه‌های همکاری و گفتگو میان روسیه و اتحادیه اروپا است. تا به امروز عواملی همچون، تفاوت درجه وابستگی متقابل طرفین در روابط انرژی که می‌توان از آن به عنوان «وابستگی متقابل نامتقارن» یاد کرد، ناهمگونی منافع و اهداف روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه سیاست انرژی و نیز رویکردهای متفاوت روسیه و اتحادیه اروپا نسبت به روابط دوجانبه در زمینه انرژی از عوامل اختلاف بوده است.

از طرفی، عامل انرژی در سال‌های گذشته به افزایش روابط رسمی و غیر رسمی فدراسیون روسیه و اتحادیه اروپا شدت بخشیده است. از اواخر دهه ۶۰ میلادی، اتحاد جماهیر شوروی انتقال انرژی (نفت و گاز طبیعی) را به غرب اروپا بر اساس قراردادهای بلندمدت آغاز کرد. مسئله تأمین مداوم و قابل اتکاء جریان انرژی به اروپا یکی از عوامل همگرایی و واگرایی و حوزه‌های چالش برانگیز بین طرفین بوده است. بهبود و ارتقاء روابط انرژی میان طرفین، مستلزم فهم اختلاف دیدگاه هر دو بازیگر در باب سیاستگذاری حوزه انرژی است. تعریف روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، اهداف اصلی سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا و بالعکس و نیز دریافت متفاوت روسیه- اتحادیه اروپا از همکاری‌ها و برنامه طرفین در حوزه انرژی از مسایل حایز اهمیت به شمار می‌آید.

تفاوت درجه وابستگی متقابل در روابط انرژی طرفین، اختلاف منافع و اهداف آنها در زمینه سیاستگذاری انرژی و تمایز دیدگاه‌ها در مورد روابط دوجانبه در زمینه انرژی، ماهیت روابط روسیه- اتحادیه اروپا در این زمینه حساس که دارای ابعاد انرژی، اقتصادی، ژئوپلیتیک و سیاسی- امنیتی است را به خوبی تبیین می‌کند.

از سوی دیگر با کاهش تولید سوخت‌های فسیلی در داخل اتحادیه اروپا، طرف اروپایی با شرایطی مواجه است که برای تأمین تقاضا به طور فزاینده‌ای باید به واردات متکی

باشد. روسیه در این شرایط به عنوان تأمین‌کننده عمده گاز طبیعی، نفت خام و زغال‌سنگ مطرح است. توقف عرضه انرژی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ نیز نگرانی‌هایی در مورد امنیت عرضه انرژی در اروپا و تردیدهایی در مورد روسیه به عنوان یک شریک قابل اعتماد ایجاد کرد؛ اما طی ۲۰ سال گذشته وابستگی بیش از حد اروپا به منابع انرژی روسیه با کاهش دائم سهم گاز روسیه در واردات کشورهای عضو اتحادیه اروپا روند نزولی پیدا کرده است.

مقاله حاضر ضمن بررسی سیاست‌های انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا، نقش تعیین‌کننده این عامل در مناسبات طرفین و پیشینه روابط انرژی آنها، این سوال اساسی را مورد توجه قرار داده است که موانع اساسی توسعه همکاری راهبردی روسیه- اتحادیه اروپا در حوزه انرژی چیست؟

در پاسخ به سوال اصلی مقاله و در پی مطالعات انجام شده، نویسندگان این فرضیه را مورد توجه قرار داده‌اند که «وابستگی متقابل نامتقارن در حوزه انرژی و راهبردهای متفاوت انرژی طرفین، مانع توسعه همکاری‌های راهبردی روسیه و اتحادیه اروپا تلقی می‌شود.»

چارچوب نظری تحقیق: وابستگی متقابل نامتقارن

زمینه طرح نظریه وابستگی متقابل، افزایش اهمیت مسایل اقتصادی در روابط بین‌الملل است. به ویژه اینکه اقتصاد جهانی پس از جنگ جهانی دوم تحولات زیادی پیدا کرده است که تغییرات در ساختار تجارت بین‌الملل یکی از مهم‌ترین این تحولات به شمار می‌رود (واعظ مهدوی، ۱۳۷۵: ۷۵). مفهوم وابستگی متقابل اقتصادی ابتدا طی مقالات ریچارد کوپر^۱ در باب وابستگی متقابل اقتصادی عمومیت یافت. در ادامه، رابرت کوهن^۲ و جوزف نای^۳ با طرح نظریه وابستگی متقابل نامتقارن یا پیچیده در انتقاد از نظریه واقع‌گرایی سیاسی، پا را فراتر نهاده و چگونگی تغییر ماهیت سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر وابستگی متقابل مورد بررسی قرار دادند (Crane & Amawi, 1997: 107-110).

^۱. Richard Cooper

^۲. Robert Cohen

^۳. Joseph Nye

کوهن و نای، سه ویژگی اصلی را برای وابستگی متقابل نامتقارن تعریف می‌کنند؛ الف) استفاده از مجاری چندگانه اقدام جوامع در روابط میان دولتی، فرادولتی و فراملی؛ وجود بازیگران دولتی و غیردولتی و سازمان‌های فراملی موجب پیچیده شدن روابط و حساسیت دولت‌ها به یکدیگر می‌شود.

ب) فقدان سلسله مراتب میان موضوعات: موضوعاتی که در دستور کار روابط دولت‌ها قرار می‌گیرند دارای سلسله مراتب مشخصی نیستند. بدین معنا که دیگر قدرت نظامی پیوسته در اولویت قرار ندارد.

ج) کاهش استفاده از نیروی نظامی و قدرت قهری در روابط بین‌الملل: کوهن و نای بر این عقیده هستند که کاهش استفاده از نیروی نظامی به عنوان ابزار سیاسی، موجب افزایش وابستگی متقابل و همکاری دولت‌های می‌شود (Keohen & Nye, 2001: 22-24).

از طرفی، وابستگی متقابل نامتقارن در عرصه تجارت، قدرت را نصیب کسی می‌کند که توانایی تحمل کنار کشیدن یا قطع کامل پیوندهای تجاری را داشته باشد (Keohen & Nye, 2001: 18). شیوه‌هایی که دولت‌ها می‌توانند با توسل به آنها از عدم تقارن در وابستگی بکاهند و در معاملات اقتصادی و یا حتی در معادلات سیاسی نتیجه بهتری کسب نمایند آن است که سود اقتصادی حاصل از شرکت‌های فراملی را با منافع دیگری چون شرکت‌های داخلی و نیز جبران کمبود نسبی این شرکت‌ها را از طریق ایجاد تعادل میان دو کمبود (کمبود سرمایه‌های شرکت‌های فراملی و کمبود بازارهای تحت کنترل دولت) جایگزین نمایند (Jarblad, 2003: 46-47).

نظریه وابستگی متقابل و یا وابستگی متقابل نامتقارن صرفاً به عرصه‌های اقتصادی محدود نمی‌ماند و به سایر حوزه‌های نیز تسری می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت که روابط انرژی بین کشورهایی که در همسایگی یکدیگر قرار دارند و به لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک می‌باشند به وابستگی امنیتی بین بازیگران آن منطقه خواهد انجامید؛ تا جایی که ممکن است منجر به ایجاد یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ شود. ایده محوری نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای این است که تهدیدهای امنیتی به راحتی به مناطق نزدیک سرایت می‌کند تا فواصل دور؛ همچنین وابستگی امنیتی معمولاً بر مجموعه‌های مستقر در یک منطقه تمرکز دارد که از آن به عنوان مجموعه امنیتی یاد می‌شود.

^۱. Regional Security Complex

پیشینه روابط روسیه و اتحادیه اروپا

با به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم، برداشتن گام‌های جدید اقتصادی از سوی کشورهای اروپای غربی به منظور فائق آمدن بر مشکلات سیاسی میان آنها ضرورت داشت. در عین حال، تأسیس جامعه ذغال و فولاد اروپا^۱، جامعه انرژی اتمی اروپا^۲ و نیز جامعه اقتصادی اروپا^۳ سیاست انرژی را در اروپا تغییر داد. پس از بحران عرضه نفت در سال ۱۹۷۳، اتحادیه اروپا به اهمیت سیاست مشترک در زمینه انرژی پی برد و شورای اروپا راهبرد سیاست انرژی جدید^۴ را در سال ۱۹۷۴ برگزید (Gurbanov, 2013: 1).

امروزه روسیه بزرگ‌ترین همسایه اتحادیه اروپا و سومین شریک تجاری آن است. روسیه بخش عمده نفت و گاز خود را به اتحادیه اروپا صادر می‌کند. تقریباً تا اواخر جنگ سرد، روابط رسمی بین اتحاد جماهیر شوروی و جوامع اروپایی وجود نداشت و مقامات اتحاد جماهیر شوروی جوامع اروپایی را شریک اقتصادی ناتو و رقیب ایدئولوژیک خود می‌دانستند. متقابلاً اتحاد جماهیر شوروی و متحدان آن نیز در قالب «مجمع همکاری‌های اقتصادی متقابل»^۵ موسوم به «کمکون»^۶ با هم متحد شدند. فقدان روابط رسمی، ضررهای اقتصادی را برای اتحاد جماهیر شوروی و متحدان آن در برداشت. در اواخر دهه ۸۰ میلادی که گورباچف رهبری کرملین را برعهده گرفت، برقراری روابط رسمی ممکن شد. ابتدا کمکون با جامعه اقتصادی اروپا رابطه برقرار کرد و پس از آن اتحاد جماهیر شوروی و جوامع اروپایی موافقت‌نامه‌ای در زمینه تجارت و همکاری اقتصادی امضاء کردند. پایان جنگ سرد نقطه عطفی در روابط روسیه- اتحادیه اروپا بود. در این اثنا، اعضاء جوامع اروپایی توافق کردند اتحادیه اروپا را تأسیس کنند و همکاری سیاسی را در قالب سیاست خارجی و امنیتی مشترک و همچنین همکاری قضایی را در قالب ستون سوم (عدالت و امور داخلی) تقویت نمایند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ۱۵ جمهوری بر جای گذاشت که هر یک باید اولویت‌های خود را در رابطه با اتحادیه اروپا تعقیب می‌کردند.

^۱. European Coal and Steel Community

^۲. European Atomic Energy Community

^۳. European Economic community (EEC)

^۴. New Energy Policy Strategy

^۵. Council for Mutual Economic Assistance

^۶. COMECON

در سال ۱۹۹۱ کشورهای اروپایی بر اساس «موافقت‌نامه همکاری اقتصادی و تجاری» که در زمان حیات اتحاد جماهیر شوروی به تصویب طرفین رسیده بود، اقدام به ارائه کمک‌های اقتصادی و فنی به روسیه نمودند. از اوایل دهه ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همکاری جوامع اروپایی با روسیه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تحت برنامه «تاکیس»^۱ آغاز شد و از آن زمان تا سال ۲۰۰۷ روسیه از این طریق حدود ۲/۷ میلیارد دلار کمک مالی برای بخش‌های مختلف دریافت کرد. در سال ۲۰۰۷ تاکیس با «سند مشارکت و همسایگی اروپا»^۲ جایگزین شد و همکاری دوجانبه میان اتحادیه اروپا و روسیه از آن زمان تاکنون تحت این عنوان ادامه یافته است. علاوه بر برنامه‌های همکاری دوجانبه، روسیه از اقدامات منطقه‌ای تحت حمایت مالی اتحادیه اروپا مانند اراسموس موندوس^۳، تمپوس^۴ و بعد شمالی^۵ (همکاری میان چهار شریک برابر: اتحادیه اروپا، روسیه، نروژ و ایسلند) و دیگر برنامه‌های مربوطه نیز بهره‌مند می‌گردد (EU-Russia cooperation, 2012).

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۱ «منشور انرژی اروپا»^۶ را پیشنهاد کرد و این منشور در سال ۱۹۹۴ در لیسبون پایتخت پرتغال به امضای کشورهای عضو رسید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه سیاست نگاه به غرب یلتسین، روابط روسیه-اتحادیه اروپا وارد فاز جدیدی شد. در این بین، عضویت دائم روسیه در شورای امنیت سازمان ملل و نیز مواردی همچون قابلیت هسته‌ای این کشور، منابع انرژی، برتری در اوراسیا، گسترش اتحادیه اروپا به شرق و نیز حمایت‌های مالی بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۷ و تاکیس از روسیه هر دو طرف را به سوی تحکیم روابط دوجانبه سوق داد.

در سال ۲۰۰۰ و در پی به قدرت رسیدن پوتین، جنبش اوراسیاگرایی شدت گرفت و روسیه به پشتیبانی منابع گاز طبیعی و نفتی که داشت در صدد ایفای نقش ژئوپلیتیک درآمد. این در حالی بود که گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، کرملین را آزرده‌خاطر

^۱ Technical Aid to the Commonwealth of Independent States (Tacis)

^۲ European Neighborhood and Partnership Instrument (ENPI)

^۳ Erasmus Mundus

^۴ TEMPUS

^۵ Northern Dimension (ND)

^۶ European Energy Charter

^۷ European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

می‌ساخت. آخرین موج گسترش، روسیه، ناتو و اتحادیه اروپا را به همسایگی مشترک رساند و روسیه به شدت نسبت به تلاش‌های اوکراین و گرجستان برای عضویت در ناتو و سیاست همسایگی شرقی اتحادیه اروپا واکنش نشان داد (Gurbanov, 2013: 1).

برخی از متخصصان مطالعات روسیه همچون میلاتسچیو^۱ بر این باور هستند که سطح همکاری بین روسیه-اتحادیه اروپا تابعی از افزایش قدرت ملی روسیه بوده و این روابط بین سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۱ با افزایش نسبی قدرت روسیه در آغاز هزاره جدید کاهش پیدا کرد. بر طبق این تحلیل، با افزایش حجم منابع قدرت ملی روسیه در آغاز سال ۲۰۰۰ سطح همکاری‌های طرفین متعادل ماند و در مواردی بعد از سال ۲۰۰۶ اندکی به سوی بدتر شدن تمایل پیدا کرد (Milatschew, 2012: ii).

به هر حال عدم رضایت روسیه از روابط اندک با اتحادیه اروپا که از دوره شوروی سابق به ارث رسیده بود، ضرورت گفتگو و همکاری بیشتر را توجیه می‌کرد. در سال ۱۹۹۲ جاکوئس دلورس^۲، هشتمین رئیس کمیسیون اروپا به مسکو سفر کرد و از ضرورت نیل به توافقی جدید که روابط طرفین را به نحو بهتری انعکاس دهد خبر داد. تقریباً دو سال مذاکره منجر به انعقاد «موافقت‌نامه مشارکت و همکاری»^۳ شد که در سال ۱۹۹۴ در شهر کورفو^۴ واقع در یونان به امضاء رسید. روند تصویب موافقت‌نامه مذکور با توسعه اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ و جنگ در چچن پیچیده شد و در نهایت در سال ۱۹۹۷ به مرحله اجرا رسید. موافقت‌نامه مشارکت و همکاری حاکی از ارتقاء مناسبات طرفین به سطح شراکت بر اساس احترام مشترک به اصول دموکراتیک و حقوق بشر بود. موافقت‌نامه مذکور توافق بر سر حوزه‌های عمده همکاری بین روسیه و اتحادیه اروپا را مشخص می‌کرد که شامل همکاری سیاسی، تجارت و همکاری اقتصادی می‌شد. همچنین این توافق مبنایی برای توسعه همکاری‌ها در سایر حوزه‌های سیاستگذاری مانند علم، آموزش، محیط زیست، حمل و نقل، توریسم و توسعه اجتماعی بود (Summary of Treaty, 2013).

در حوزه همکاری‌های سیاسی، موافقت‌نامه مشارکت و همکاری شکل جدیدی از همکاری و گفتگوی سیاسی را ایجاد کرد که حاکی از مورد توجه قرار گرفتن اهداف مهمی

^۱ Milatschew

^۲ Jacques Delors

^۳ Partnership Cooperation Agreement (PCA)

^۴ Corfu

مانند از سرگیری روابط روسیه- اتحادیه اروپا، اصلاحات سیاسی و اقتصادی در روسیه و توسعه دیگر اشکال همکاری بود. گفتگوی سیاسی توسط ساختاری نهادی در قالب مشاوره‌های منظم سیاسی مقامات دو طرف در سطوح مختلف انجام می‌شود.

علاوه بر آن در سطح بالای اجرایی (اجلاس‌ها) در سطح وزرا (شورای همکاری) در سطح مقامات عالی رتبه سیاسی (کمیته همکاری) در سطح کارشناسی (کمیته‌های فرعی) و نیز در سطح پارلمانی (کمیته همکاری پارلمانی) گفتگوها پی‌گیری می‌شوند. مقامات عالی رتبه از روسیه (رئیس جمهور) و اتحادیه اروپا (رئیس شورا و رئیس کمیسیون) دوبار در سال دیدار می‌کنند. در طرف اروپایی شوری همکاری نماینده سطح وزیران است و مرکب از اعضاء شورا و اعضاء کمیسیون است. آنها سالی یک‌بار دیدار می‌کنند تا پیرامون همکاری‌ها در حوزه‌های مشخص سیاستگذاری بحث نمایند. در سال ۲۰۰۳ در اجلاس روسیه- اتحادیه اروپا که در سنت پترزبورگ برگزار شد، تصمیم بر آن شد که یک شورای مشارکت دائم تاسیس شود. در حال حاضر اعضاء می‌توانند یکدیگر را بیشتر ملاقات کنند و درباره موضوعات مختلف به تبادل نظر بپردازند. علاوه بر این، کمیته همکاری به منظور کمک به شورای همکاری ایجاد شد. همچنین کمیته‌های فرعی یا گروه‌های کاری در سطح کارشناسی تشکیل شده است که بر موضوعات کاربردی تمرکز دارند. کمیته همکاری پارلمانی نیز متشکل از اعضاء پارلمان اروپا و مجمع فدرال روسیه کار نظارت بر اجرای موافقت‌نامه را برعهده دارد (Romanova and Zaslavskaya, 2004: 85).

موافقت‌نامه مشارکت و همکاری سال ۱۹۹۴ مبنای همکاری فعلی روسیه و اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. همچنین مذاکرات بر سر توافق جدیدی بین روسیه- اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ و در اجلاس «خانتی- مانسیک»^۱ مورد بررسی قرار گرفت. انتظار می‌رود گفتگوها میان روسیه- اتحادیه اروپا بازتابی باشد از رشد روابط طرفین از اوایل دهه ۹۰ میلادی و چارچوبی قانونی و الزام‌آور را در زمینه‌های گفتگوی سیاسی، آزادی، امنیت و عدالت، همکاری اقتصادی، پژوهش، آموزش، فرهنگ، تجارت، سرمایه‌گذاری و انرژی ایجاد نماید. همکاری روسیه و اتحادیه اروپا زمینه‌های راهبردی را پوشش می‌دهد که از آن به عنوان «حوزه‌های مشترک» یاد می‌شود:

- اقتصاد و محیط زیست؛

^۱. Khanty Mansiyk

- آزادی، امنیت و عدالت؛

- امنیت خارجی؛

- پژوهش و آموزش، خصوصاً ابعاد فرهنگی.

پس از اجلاس «روستو»^۱ در سال ۲۰۱۰، توافق‌ها با هدف مشارکت برای نوسازی، متوجه ابعاد اقتصادی، فنی، حکومت قانون و عملکرد مناسب سیستم قضایی گردید، مشارکت به یک نقطه محوری برای همکاری تبدیل شد و گفتگویی که زیر عنوان حوزه‌های مشترک آغاز شده بود را تقویت کرد. مشارکت اخیر، حوزه‌های زیر را پوشش می‌دهد:

- طرح‌های مربوط به حکومت قانون (ایجاد سیستم استیناف خواهی در دستگاه قضایی روسیه و مبارزه با فساد)؛

- توسعه جامعه مدنی؛

- نوسازی اقتصادی و فنی.

در حال حاضر اتحادیه اروپا و روسیه در زمینه مسایل و چالش‌های دوجانبه و چندجانبه از جمله تغییرات آب و هوایی، قاچاق مواد مخدر و انسان، جنایات سازمان یافته، مقابله با تروریسم، منع تکثیر تسلیحات اتمی، فرآیند صلح خاورمیانه و مسئله اتمی ایران همکاری دارند.

گزارش پیشرفت مشارکت اتحادیه اروپا- روسیه برای نوسازی^۲ که از سوی تنظیم‌کنندگان این طرح با هدف ارائه اطلاعات به شرکت‌کنندگان اجلاس سران اتحادیه اروپا- روسیه (۲۱ دسامبر ۲۰۱۲) تهیه شده بود، حاوی نکات مهمی است. طرح کاری مشارکت اتحادیه اروپا- روسیه برای نوسازی نیز که در دسامبر ۲۰۱۰ به تأیید طرفین رسید، تاکنون دوبار در دسامبر ۲۰۱۱ و می ۲۰۱۲ به روز شده است و طی آن فعالیت‌های جدید در حوزه انرژی، سلامت، سیاست دریانوردی، سیاست‌های مالی، اقتصاد کلان، ماهیگیری و توسعه شرکت‌ها معرفی شده است و شماری از فعالیت‌های آینده نیز به روز

^۱. Rostov

^۲. Progress Report Agreed by the Coordinators of the EU-Russia Partnership for Modernization

شده‌اند. بر اساس گزارش مذکور، روسیه- اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر موفق به کسب دستاوردهایی شده‌اند (2-1: Progress Report, 2012):

- پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی در ۲۲ اوت ۲۰۱۲؛
- برنامه تطبیق هرچه بیشتر استانداردها و مقررات فنی؛
- همکاری‌های فضایی و پرتاب ماهواره از ایستگاه فضایی اروپا در گویانا^۱؛
- توافق بر سر تأمین بودجه طرح‌های مشترک؛
- پیشبرد اقدامات لازم و برداشتن گام‌های مشترک به منظور حذف ویزا برای سفرهای کوتاه مدت؛

- نوسازی سیستم قضایی و ایجاد نظام استیناف‌خواهی؛

- همکاری برای اجرای کنوانسیون لاهه درباره حقوق خانواده که توسط روسیه به تصویب رسیده است.

- مبارزه علیه فساد؛
- همکاری مستمر دانشگاهی و تحرک دانشگاهی خصوصاً از طریق برنامه‌های تمپوس و اراسموس اتحادیه اروپا.

روابط و همکاری‌های دوجانبه روسیه- اتحادیه اروپا (جوامع اروپایی سابق) بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی رشد آرام و فزآینده داشته است و طرفین، همکاری‌ها را به طور برنامه‌ریزی شده در حوزه‌های فنی پی‌گیری کرده‌اند تا مسایل امنیتی و نظامی. در این میان، حوزه انرژی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین زمینه‌های همکاری طرفین بوده که به دلایل متعددی نتوانسته است به یک چارچوب مورد توافق طرفین برای همکاری راهبردی دراز مدت تبدیل شود.

همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی

در حوزه انرژی و به ویژه کارآیی استفاده از منابع انرژی، روسیه و اتحادیه اروپا در خصوص همکاری‌های مشترک به توافقاتی دست یافته‌اند. در مورد بهره‌وری انرژی، بر اجرای طرح‌های هماهنگ میان روسیه و اتحادیه اروپا و ارائه گزارش در این خصوص توافق گردید.

^۱. Guyana

بر این اساس، هم‌اکنون طرح‌های استفاده بهینه از منابع انرژی در چارچوب مشارکت زیست‌محیطی گستره شمالی^۱ در مناطق لنینگراد و کالینگراد روسیه در حال اجرا است. طرح‌های دیگری نیز در مورد تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین در مرحله تدوین می‌باشد. اتحادیه اروپا اعتباراتی را در اختیار ناظران، مدیران و مهندسان بخش غیردولتی برای افزایش آگاهی و آموزش ارائه می‌دهد. همکاری به منظور توسعه و ارتقاء کارآیی انرژی و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر نیز در جریان است (3: Progress Report, 2012).

در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱، کمیسیون اروپا و دولت روسیه مقرر کردند که چشم‌اندازی بلندمدت در خصوص روابط دوجانبه خود در حوزه انرژی تعریف نمایند. بر اساس سند مربوطه موسوم به «نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا- روسیه در حوزه انرژی تا سال ۲۰۵۰»^۲ (Roadmap EU-Russia, 2013)، تحلیل سناریوهای جداگانه و تأثیر آنها بر روابط اتحادیه اروپا- روسیه در حوزه‌های انرژی، پیامدهایی که این سناریوها برای بخش انرژی در پی خواهند داشت، مخاطرات و فرصت‌های وضعیت عرضه و تقاضای انرژی در درازمدت و نیز ظرفیت همکاری‌های بلندمدت در حوزه انرژی در دستورکار مطالعه قرار گرفت.

در سند فوق این باور مطرح شده است که بازارهای انرژی بیش از پیش به هم وابسته، جهانی و پیچیده شده و پیش‌بینی آن دشوارتر می‌گردد. از این رو، هدف، حصول به سطح تحمل‌پذیر عدم قطعیت در زمینه توسعه آتی روابط متقابلاً سودمند روسیه- اتحادیه اروپا در حوزه انرژی است. با اینکه نقشه راه، طیف وسیعی از مسایل را در برمی‌گیرد، اما قادر نیست تمامی موضوعات بالقوه مربوط به توسعه روابط انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه را مورد بررسی قرار دهد. نقشه راه باید سندی پویا باشد و در زمینه گفتگوی انرژی^۳ روسیه- اتحادیه اروپا مرجعی مشترک تلقی گردد. اقدامات مطرح در نقشه راه می‌بایست هماهنگ با تحولات جدید و پیشرفت حاصله در گفتگوی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا مورد بازنگری قرار گیرد.

برای همکاری در حوزه انرژی، خصوصاً در این برهه تغییرات پیچیده در سیستم‌های انرژی، تعریف چشم‌اندازی بلندمدت ضروری می‌نماید. بر این اساس در نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا- روسیه در حوزه انرژی آمده است که همکاری بازار انرژی باید با الگوهای جدید عرضه و تقاضا و انتقال انرژی هماهنگ گردد. از سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا تا سال

¹. Northern Dimension Environmental Partnership (NDEP)

². Roadmap of the EU-Russia Energy Cooperation until 2050

³. Energy Dialogue

۲۰۲۰، دستیابی به سیستم انرژی کم یا فاقد کربن است. فدراسیون روسیه در صدد توسعه بخش انرژی کارآمد و نو، برآوردن نیازهای انرژی اقتصاد رو به رشد و نیز منافع اقتصادی کشور تا سال ۲۰۳۰ است.

سناریوهایی در خصوص توسعه سیستم‌های انرژی اتحادیه اروپا و روسیه وجود دارد که شامل دولت‌ها و کمیسیون اروپا (راهبرد انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۰، نقشه راه انرژی ۲۰۵۰ اروپا)، نهادهای چندجانبه و بخش خصوصی می‌شود. نقشه راه برای همکاری اتحادیه اروپا-روسیه در حوزه‌های انرژی از برخی از این سناریوها و تأثیر بالقوه آنها بر روابط انرژی اتحادیه اروپا-روسیه آغاز می‌گردد.

با اینکه سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا و روسیه در مجموع متفاوت می‌باشند (روسیه به دنبال توسعه بازار خود در اروپا، افزایش وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه و کنترل انحصاری بازار گاز و نفت اروپا است و در مقابل، اتحادیه اروپا در پی تنوع‌بخشی به منابع انرژی وارداتی و ایجاد بازار واحد یک‌پارچه انرژی و کاهش وابستگی به روسیه است)، اما حوزه‌هایی نیز وجود دارد که این سیاست‌ها همگرایی داشته و بنابراین اشتراک منافع دوجانبه به وجود می‌آید که بدون همکاری گسترده و عمیق، قابل حصول نیست. بر این اساس، نقشه راه بر پایه تعهد دو طرف به همکاری راهبردی درازمدت در حوزه انرژی قرار دارد.

سند فوق همچنین خاطرنشان می‌سازد که اگرچه اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه در شبکه‌ای از انرژی در هم تنیده‌اند و هر دو طرف سیاست مجزای خود را دنبال می‌کنند، اما همکاری نزدیک خود را در خصوص زیرساختی جدید به امید سود متقابل ادامه می‌دهند. تا سال ۲۰۵۰، قرار است اتحادیه اروپا و روسیه بخشی از بازار انرژی مشترک در سطح شبه قاره باشند. چنین بازار وسیعی مستلزم برآورد تدریجی قواعد، استانداردها و بازار در حوزه انرژی است. نقشه راه همکاری در حوزه انرژی در راستای نوسازی اقتصاد روسیه و اتحادیه اروپا قرار دارد و بنابراین به همکاری هر چه بیشتر دو طرف می‌انجامد.

تا سال ۲۰۵۰ بخش انرژی تغییر چشم‌گیری خواهد داشت. اهمیت مسأله امنیت انرژی، می‌تواند روابط اتحادیه اروپا-روسیه را در حوزه انرژی از رابطه صرف تأمین‌کننده-مصرف‌کننده به همکاری فناورانه محور سوق می‌دهد. همکاری مشترک اتحادیه اروپا و روسیه در توسعه بخش خلاق اقتصاد، ماهیت شبه قاره اروپا را به مرجع رشد و ثبات پایدار تغییر خواهد داد.

در کل، توسعه همکاری درازمدت روسیه- اتحادیه اروپا در حوزه انرژی برای هر دو طرف ضرورت دارد.

به هر حال همکاری بین روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، با هدف تأمین امنیت عرضه انرژی و انجام وظایفی صورت می‌پذیرد که نقشه راه حوزه اقتصادی مشترک روسیه- اتحادیه اروپا معین کرده است. نقشه راه بر تولید پایدار، قابل اعتماد و مستمر انرژی، توزیع، حمل و نقل، بهره‌برداری، کارآیی انرژی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، انرژی‌های جایگزین و بهره‌گیری از منابع جایگزین انرژی تمرکز دارد. گفتگوی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا یکی از حوزه‌های عمده و مهم همکاری روسیه- اتحادیه اروپا را برجسته می‌سازد و به عنوان ابزار اساسی دستیابی به این اهداف عمل می‌کند.

از سال ۲۰۰۰ که گفتگوی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا ایجاد شد، فعالیت‌های زیادی به منظور تقویت همکاری بین روسیه و اعضای اتحادیه اروپا انجام شده است. در چارچوب گفتگوهای انرژی، سازوکار مشاوره‌ای بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی در قالب گروه‌های کاری در باب موضوعات اساسی اتحادیه اروپا و سیاست انرژی ایجاد شده است. برای مثال چندین گروه موضوعی تأسیس شده است که هم اکنون نیز فعال هستند. این گروه‌ها عبارت هستند از (Piebalgs & Shamatko, 2009: 1-5):

- راهبردهای انرژی، پیش‌بینی‌ها و سناریوهای ممکن؛
- توسعه بازارهای انرژی؛
- کارایی انرژی.

فعالیت گروه‌های موضوعی نیز بر موضوعات زیر تمرکز دارد:

- تحلیل مقایسه‌ای راهبردهای انرژی و طراحی سناریوهای توسعه برای بخش انرژی روسیه و اتحادیه اروپا؛
- تحقیق درباره توسعه بازارهای انرژی و توسعه بخشیدن زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ؛
- اجرای ابتکار کارآیی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و استفاده از منابع انرژی جایگزین.

گفتگوی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا، تالار گفتگویی برای بحث و تبادل تجربیات، تسهیل طرح‌های همکاری بین کارشناسان روسیه و نیز میزگردی برای صنعت‌گران اروپا،

نهادهای مالی بین‌المللی و کمیسیون اروپا فراهم می‌سازد. گروه‌های موضوعی نیز با یک برنامه کاری که هر سال مورد بازبینی قرار می‌گیرد به وظایف محوله عمل می‌کنند. اولویت‌های گفتگوی انرژی در جلسات شورای مشارکت دائم اتحادیه اروپا- روسیه در سطح وزرای انرژی انجام شده و پیشرفت و نتایج آن در جلسات منظم هماهنگ‌کنندگان گفتگوی انرژی اتحادیه اروپا- روسیه (با حضور وزیر انرژی روسیه و کمیسر اتحادیه اروپا در امور انرژی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

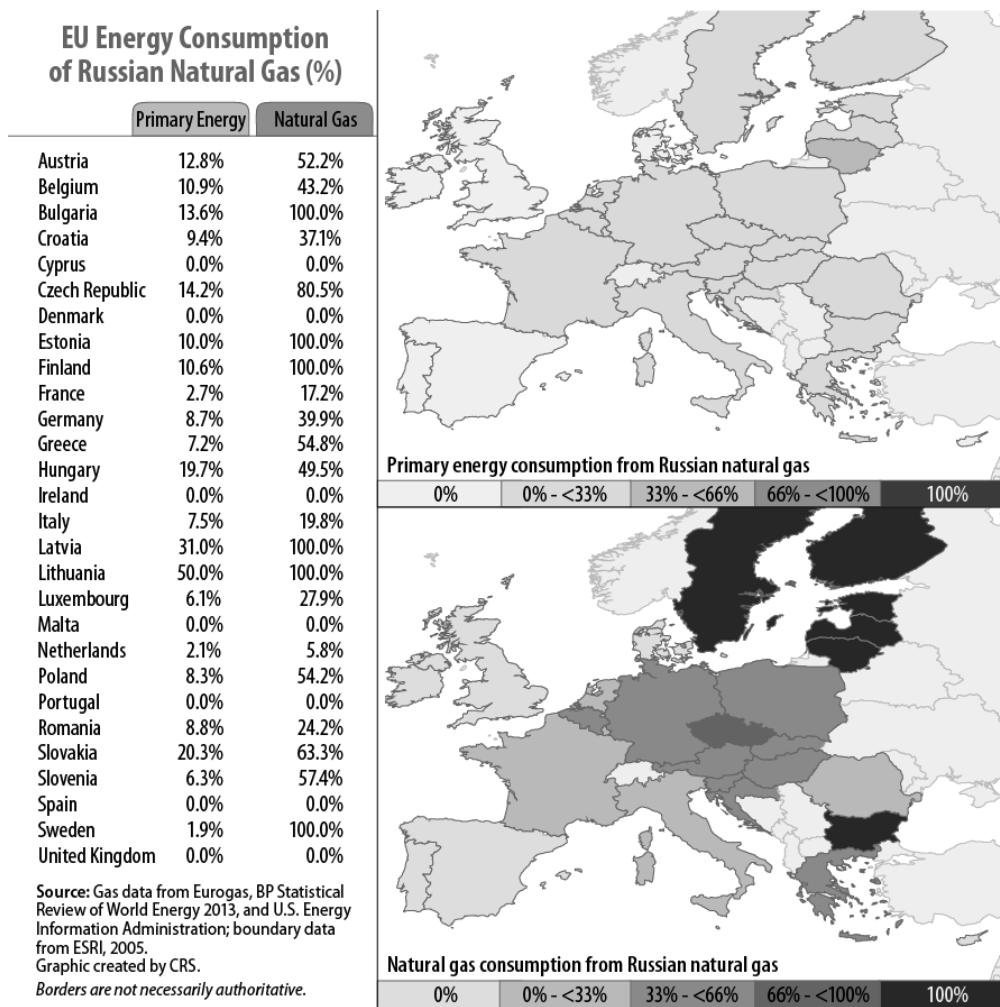
به‌رغم اینکه گفتگوی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا و نقشه راه همکاری‌های انرژی طرفین و سایر اسناد بالادستی موجود، در صدد ترسیم چارچوب همکاری‌های انرژی و فنی- اقتصادی این دو بازیگر است، اما وجود وابستگی متقابل نامتقارن بین طرفین در حوزه انرژی و ترجیح اولویت‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت، منجر به پیچیده شدن آینده روابط انرژی دو قطب بزرگ تولید و مصرف انرژی در اروپا شده است.

روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا در سایه وابستگی متقابل نامتقارن

تحلیل روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا بر طبق آمار و ارقام موجود از جمله گزارش‌های منتشره توسط شرکت بریتیش پترولیوم (بی پی)^۱، حاکی از وجود نوعی رابطه مبتنی بر وابستگی متقابل نامتقارن میان طرفین است؛ در حالی که طرف روسی وابستگی بیشتری به صادرات منابع خود خصوصاً به اروپا پیدا می‌کند (Wagner, 2012)، وابستگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به واردات گاز روسیه روند نزولی را طی می‌کند؛ هرچند که کماکان بعد از نروژ در صدر تأمین‌کنندگان گاز اتحادیه اروپا قرار دارد (Energy Production and Imports, 2012). نکته قابل ملاحظه دیگر این است که وابستگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به گاز روسیه به یک اندازه نیست (شکل شماره ۱).

^۱. British Petroleum (BP)

شکل شماره ۱: میزان وابستگی هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به گاز روسیه

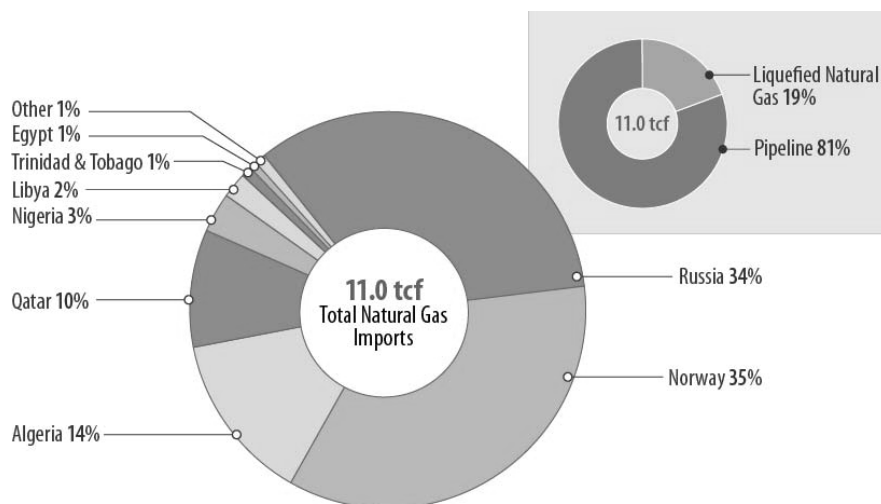


Source: (Europe's Energy Security, 2013: 10)

وابستگی اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه در مجموع بستگی به توازن تجارت انرژی، سطح منابع انرژی، امکان تنوع تأمین انرژی و مصرف کل انرژی در سطح کشورهای عضو اتحادیه دارد. در سال ۲۰۱۰، ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تقریباً ۵۳/۱ درصد از کل مصرف سوخت خود را وارد می‌کردند که این میزان برای سوخت‌های جامد، ۴۱/۲ درصد،

نفت ۸۲/۶ درصد و گاز ۶۰/۳ بود (Paillard, 2010, 72). در سال ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا ۳۰ درصد نفت و ۳۴ درصد گاز طبیعی مورد نیاز خود را از روسیه وارد کرده است و آنگونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد، در این سال نروژ از روسیه در زمینه صادرات گاز به کشورهای عضو این اتحادیه پیش افتاده است (Europe's Energy Security, 2013: 6). از طرفی، صادرات نفت و گاز روسیه ۶۵ درصد مجموع صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. ۶۰ درصد نفت خام صادراتی روسیه و ۹۰ درصد گاز آن به کشورهای اتحادیه اروپا صادر می‌شود. بین ۷۵ تا ۸۰ درصد درآمدهای صادراتی روسیه به بازار انرژی اروپا وابسته است. در سال‌های گذشته بخش انرژی به تنهایی ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه را تشکیل داده است و به طور مشخص در سال ۲۰۱۰ درآمدهای نفت و گاز ۲۰ درصد تولید ناخالص روسیه را به خود اختصاص داده است (Paillard, 2010, 72).

نمودار شماره ۱: میزان واردات گاز اتحادیه اروپا از کشورهای مختلف



Source: (BP Statistical Review of World Energy, 2013)

نکته حایز اهمیتی که در اینجا مطرح می‌باشد، وابستگی نامتقارن روسیه- اتحادیه اروپا در زمینه انرژی است؛ به طوری که وابستگی روسیه به بازارهای اروپایی بیش از

وابستگی اتحادیه اروپا به گاز این کشور است. در صورت ایجاد وقفه یا توقف تأمین نفت و گاز طبیعی، آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا پایین است؛ زیرا اتحادیه اروپا امکان جایگزینی انرژی وارداتی از روسیه را با دیگر منابع متنوع انرژی مانند انرژی اتمی، تجدیدپذیر و سوخت‌های فسیلی (از طریق واردات روزافزون گاز از نروژ، شمال آفریقا و یا واردات رو به افزایش نفت از لیبی و عربستان سعودی) دارد. این در حالی است که روسیه امکان تنوع بخشیدن به صادرات منابع طبیعی خود مانند نفت و گاز را در کوتاه مدت ندارد. البته این وابستگی نامتقارن بین روسیه و اعضای قدیمی اتحادیه اروپا صدق می‌کند و روسیه در میان اعضای جدید جایگاه مطلوبی دارد و این کشورها شدیداً به واردات گاز از روسیه وابسته هستند و در صورت توقف کامل عرضه انرژی روسیه، با مشکلات فاجعه باری روبه‌رو خواهند شد (Tichý, 2012: 187-202).

تحلیل روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا حاکی از وابستگی بیشتر روسیه به فروش گاز خود به اروپا است، روسیه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت امکان یافتن جایگزینی مناسب برای مشتریان اروپایی خود را ندارد، این در حالی است که به جز کشورهای حوزه بالتیک و اعضای جدید اتحادیه اروپا، میزان وابستگی ۱۵ عضو قدیمی‌تر اتحادیه به منابع انرژی روسیه از قابلیت کاهش و جایگزینی تدریجی با سایر منابع انرژی برخوردار است و برخلاف روسیه که در صدد کنترل انحصاری بازار است، این اعضا از ایده بازار آزاد و یک‌پارچه انرژی در اروپا حمایت می‌کنند. مجموعه مسایل فوق، بستری برای رقابت و چالش در مناسبات انرژی طرفین است.

راهبرد انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا

گفتگو میان روسیه و اتحادیه اروپا در مورد انرژی در سال ۲۰۰۰ پایه‌گذاری شد. به‌رغم علاقه‌مندی و خوشبینی اولیه طرفین، تاکنون پیشرفت‌های اندکی حاصل شده و گفتگوها به یک مشارکت عمیق نیا انجامیده است. عدم توافق راهبردی به نگرانی درباره عرضه نفت و گاز در اروپا منجر شده است. در این راستا، رویکردهای متفاوت روسیه و اتحادیه اروپا در قبال انرژی و همکاری در این خصوص، منشاء عدم توافق راهبردی طرفین بوده است. صنعت نفت و گاز روسیه از منابع قدرت این کشور در گفتگو و چانه‌زنی با اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و تسلط روسیه بر این منابع از سال ۲۰۰۰ روز به روز افزایش یافته است. با به

قدرت رسیدن پوتین در سال ۲۰۰۰، دولت روسیه کنترل خود را بر گازپروم و با کسب اکثریت کرسی‌های هیات مدیره این شرکت مجدداً به دست گرفت و در سال ۲۰۰۶ بخش عمده سهام شرکت (۵۰/۰۰۲ درصد) را به خود اختصاص داد (OAO Gazprom, 2006: 68). هر چند از دهه ۹۰ میلادی اطلاعاتی در دست نیست، اما از سال ۲۰۰۰ گازپروم کنترل بخش بزرگی از ذخایر گاز طبیعی روسیه را به دست گرفته است. این شرکت علاوه بر اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز روسیه محسوب می‌شود، بخش اعظم سیستم حمل و نقل شبکه یک‌پارچه گاز فدراسیون روسیه را نیز در کنترل خود دارد. از سال ۲۰۰۶ گازپروم انحصار صادرات گاز روسیه را در دست داشته که این امر، قدرت دولت را در اتخاذ تصمیمات عرصه سیاست خارجی افزایش می‌دهد. از این رو، می‌توان این‌گونه عنوان کرد که گازپروم برای کرملین ابزاری برای پیشبرد موفقیت‌آمیز سیاست داخلی و خارجی محسوب می‌شود.

تاکنون کرملین با استفاده از نفوذ گازپروم، از وابستگی اتحادیه اروپا به گاز طبیعی روسیه بهره‌جسته و مانع محقق شدن رویای اوکراین و گرجستان برای پیوستن به ناتو شده، از عضویت کوزوو نیز در سازمان ملل جلوگیری کرده و در روند انتخابات ریاست جمهوری اوکراین تأثیر گذاشته است و توانسته اجاره پایگاه دریایی سواستوپول^۱ را تمدید نماید. همچنین از زمانی که اتحادیه اروپا سیاست آزادسازی بازار گاز خود را مطرح نموده، گازپروم راهبرد بین‌المللی کردن و توسعه تمرکز بر اروپا را تشدید کرده است. اتحادیه اروپا شرکت‌های انرژی را تحت فشار قرار می‌دهد تا ارتباط بین تولید، حمل و نقل و توزیع را قطع کنند تا فضا رقابتی‌تر شود و شفافیت بیشتری در بحث قیمت‌ها ایجاد شود. این در حالی است که راهبرد گازپروم در اروپا مبتنی بر توسعه شبکه توزیع و تجارت است. گازپروم هرچه در توان داشته باشد برای تضعیف این تلاش‌ها انجام می‌دهد. به عنوان نمونه این شرکت با طرح خط لوله گاز ناباکو مخالفت کرده و سعی دارد گاز روسیه را از طریق خط لوله «استریم جنوبی»^۲ به بازار عرضه کند. در واقع روسیه تلاش می‌کند انبارهای گاز اروپا از گاز این کشور پر شود و در نتیجه، تقاضا برای گاز از دیگر منابع کم شود (Russian Business Expansion, 2008: 11).

مسکو قصد دارد با بهره‌گیری از راهبرد مناسب در حوزه انرژی در رقابت با بازیگران بین‌المللی مانند ایالات متحده، چین و هند به جایگاهی برابر در گفتگوها و مناسبات سیاسی،

^۱. Sevastopol

^۲. South Stream

اقتصادی و امنیتی دست یابد؛ به نحوی که با آن مانند یک شریک برابر رفتار شود. روسیه همچنین از راهبرد انرژی خود برای دفاع از حاکمیت و افزایش نفوذ خود خصوصاً در کشورهای باقی‌مانده از اتحاد جماهیر شوروی بهره می‌جوید. از سوی دیگر، هدف اولیه سیاست انرژی روسیه در عرصه اقتصادی، تقویت حضور این کشور در بازار پر رونق انرژی اروپا است. چنان‌چه پیشتر نیز عنوان گردید، یکی از ابزارهای اصلی سیاست انرژی روسیه در اروپا، شرکت گازپروم و انحصار گاز توسط این شرکت است که صدور گاز به اروپا و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را بر عهده دارد. ۶۰ درصد درآمد گازپروم حاصل از فروش گاز به بازارهای اروپایی است و ۲۰ درصد درآمد آن نیز به تأمین بودجه دولت اختصاص می‌یابد. (Bilgin, 2011: 125). با این توصیف، بازارهای دولت‌های عضو اتحادیه اروپا منبع اصلی درآمد روسیه به شمار می‌روند و از این رو، کرم‌لین درصدد تقویت توسعه گازپروم در بازارهای اروپا است و تحقق این هدف را با ابزارهای مختلف دنبال می‌نماید.

روسیه با انعقاد قراردادهای بلندمدت ۲۵ ساله با مشتریان اروپایی مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا، درصدد حفظ بازارهای خود در اتحادیه اروپا است. گازپروم به دنبال دسترسی به مشتری قطعی است و بنابراین قراردادهای بلندمدت، حاشیه امنیت این شرکت را افزایش داده و در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتری در طرح‌های کلان حفاری انجام می‌دهد. ابزار دوم روسیه، تأسیس شرکت‌های مشترک است. روسیه سهام‌شده در طرح‌های راهبردی خود را تنها در صورتی به بزرگ‌ترین شرکت‌های انرژی اروپایی واگذار می‌کند که آنها وارد همکاری مشترک با گازپروم شوند. البته روسیه از این طریق به فناوری‌های پیشرفته که برای حفاری در اعماق زیاد و حوزه‌های ساحلی و فراوری گاز مایع نیاز است نیز دسترسی پیدا می‌کند. یکی دیگر از اهداف روسیه، تبادل همکاری با شرکت‌های انرژی غربی در طرح‌های مشترک با هدف بازکردن بازارهای اروپا و حضور فزاینده خود در این بازارها است. روسیه با دسترسی به شبکه‌های توزیع و خطوط انتقال، درصدد به‌دست آوردن کنترل مستقیم بر بازار اروپا است.

هر چند رابطه روسیه- اتحادیه اروپا در حوزه انرژی با عنوان وابستگی متقابل یا وابستگی متقابل نامتقارن توصیف می‌شود، اما روسیه به هیچ وجه این ایده را بر نمی‌تابد که به کسی به هر شیوه وابسته باشد. روسیه وضعیتی را ترجیح می‌دهد که دیگران به روسیه وابسته

باشند، اما خود از قید هر وابستگی رها باشد. از این رو می‌توان روابط انرژی روسیه-اتحادیه اروپا را «بازی با حاصل جمع صفر» در نظر گرفت.

در چارچوب روابط انرژی دوجانبه روسیه- اتحادیه اروپا، مسکو «معاهده منشور انرژی^۱» و «پروتکل منشور انرژی در خصوص کارآیی انرژی و ابعاد زیست محیطی آن^۲» را نمی‌پذیرد. هدف عمده معاهده منشور انرژی، فراهم کردن دسترسی پایدار و امن به منابع طبیعی، جذب سرمایه‌گذاری، حفاظت از منابع و تضمین انتقال منابع انرژی به مشتریان است. معاهده مذکور از سرمایه‌گذاری کشورهای که منابع انرژی را وارد می‌کنند و سازوکارهایی که امنیت عرضه را ارتقاء می‌دهد حمایت می‌کند. روسیه به دلایل متعدد دو معاهده فوق را تصویب نکرده است، معاهدات مذکور موقعیت گازپروم را در بازارهای اروپا تضعیف می‌کند، زیرا روسیه را وادار می‌کند شبکه انتقال خود را به روی گاز ارزان‌تر از آسیای مرکزی باز کند. از سویی تصویب معاهدات مذکور نظام قراردادهای بلند مدت که روسیه برای انتقال گاز به اروپا به آن متکی است را به مخاطره می‌اندازد.

روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا با تضاد ارزش‌ها و اهداف اقتصادی در دو سوی این رابطه مواجه است؛ به طوری که بازار آزاد و مشتری‌محور اروپا در برابر انحصار تولیدکننده روس قرار گرفته که بر کنترل سیاسی بیشتر تکیه دارد تا منافع دوجانبه. بلافاصله پس از بحران انرژی در ژانویه ۲۰۰۹، مدیریت گازپروم و پوتین، نخست‌وزیر وقت روسیه از چارچوب جدیدی برای انتقال انرژی که بایستی جایگزین معاهده منشور انرژی شود سخن به میان آوردند. روابط قدرت نیز با گذشت زمان در هر دو سوی روسیه- اتحادیه اروپا نامتقارن‌تر می‌شود: آزادسازی فزاینده بازارهای اروپا در برابر انحصار روزافزون منابع انرژی در روسیه. درحالی که اتحادیه اروپا در صدد تغییر قواعد بین‌المللی موجود در حوزه انرژی است، روسیه مخالف رژیم تجارت کنونی است که منجر به رقابت میان مصرف‌کنندگانی می‌شود که در پی منابع جایگزین و تأمین‌کننده‌های جدید هستند (Tichý, 2012: 199-200).

به رغم کاهش موقت تولید نفت و گاز روسیه، مسکو به استفاده از درآمدهای نفتی خود برای خرید صنایع پایین‌دستی انرژی در اروپا ادامه می‌دهد. در همین زمان نمایندگان گازپروم نفوذ خود را میان رهبران سیاسی کشورهای مصرف‌کننده و ترانزیتی در اروپا افزایش

^۱. Energy Charter Treaty (ECT)

^۲. Energy Charter Protocol on Energy Efficiency and Related Environment Aspects

داده‌اند. ساخت طرح‌های خط لوله گاز «استریم شمالی»^۱ و «استریم جنوبی» که مورد انتقاد برخی متحدان آمریکا در اروپا قرار گرفته است، شتاب می‌گیرند. این طرح‌ها با هدف نزدیکی سیاسی اروپا به روسیه انجام می‌شود و در عین حال از امکان ساخت طرح‌های غیررسمی مانند ناباکو جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، توانایی مسکو برای عقد قراردادهای دوجانبه به‌طور سریع و مؤثر در کشورهایی مانند کرواسی، صربستان و بلغارستان قابل توجه است. سرعت و هوشیاری طرف روسی حتی کار را برای ایالات متحده در برنامه‌ریزی برای بسیج مخالفت‌ها علیه روسیه و کاهش نفوذ این کشور در بازار انرژی اتحادیه اروپا سخت کرده است. احتمالاً روسیه نیز تلاش واشنگتن برای تنوع‌بخشی به واردات منابع انرژی اروپا را تهدیدی برای منافع اقتصادی خود، نفوذ در اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی می‌بیند. البته این ملاحظه نیز مطرح شده است که نفوذ کرملین بر تولیدکنندگان انرژی در آسیای مرکزی با ساخت و تکمیل خط لوله انتقال گاز و نفت به چین کاهش پیدا می‌کند و وابستگی روسیه به فروش منابع انرژی بیشتر شده و مجبور خواهد شد رویکرد همکاری‌جویانه‌تری در قبال اروپا اتخاذ کند (Smith, 2010: 7-14).

تضاد منافع و ارزش‌ها میان تصمیم‌سازان سیاسی و اقتصادی روسیه و اتحادیه اروپا، به اتخاذ راهبردهای متفاوت در حوزه انرژی منجر شده است. تلاش روسیه برای احداث خطوط لوله جدید و توسعه شبکه انتقال گاز خود در اروپا در برابر سیاست تضمین امنیت عرضه انرژی اتحادیه اروپا (از طریق توسعه بخشیدن به منابع انرژی وارداتی اتحادیه و ایجاد بازار آزاد عرضه و تقاضا)، چشم‌انداز روابط انرژی طرفین را با پیچیدگی مواجه کرده است.

موانع و مخاطرات همکاری در زمینه انرژی

شتاب در برقراری روابط بین روسیه- اتحادیه اروپا در فردای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ باعث شد، طراحی یک راهبرد طولانی‌مدت همکاری مغفول بماند. تاتیانا رومانوا^۲ استاد درس روابط روسیه- اتحادیه اروپا در دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه دولتی سنت‌پترزبورگ، حوزه انرژی را به مثابه تست لیتموس^۳ برای روابط روسیه- اتحادیه

^۱. Nord Stream

^۲. Tatyana Romanova

^۳. Litmus Test

اروپا می‌داند. وی فقدان اهداف مشخص، ضعف مبانی حقوقی همکاری و گفتگو بین طرفین و سیاسی کردن موضوعات فنی را مانعی بر سر راه توسعه روابط راهبردی انرژی روسیه- اتحادیه اروپا برمی‌شمارد.

همکاری‌های طرفین در حوزه انرژی با موانعی مواجه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها نحوه ساماندهی بخش انرژی است. بر اساس سند دولتی راهبرد انرژی تا سال ۲۰۳۰، روسیه بر روی کارایی بودجه، نوسازی و ثبات نهادها تأکید دارد، در حالی که بر اساس سند سبز^۱ اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶، این اتحادیه بر آزادسازی بخش انرژی، رقابت جداسازی تولید، حمل و نقل و توزیع و همچنین ایجاد یک بازار داخلی تأکید دارد. (Green Paper, 2006).

اصل مشارکت برابر، برای سیاست خارجی روسیه از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ اما فهم متفاوت طرفین از ماهیت روابط بین‌الملل و اینکه اتحادیه اروپا علاوه بر گسترش بازارهای خود در پی توسعه هنجارهای حقوقی خود نیز می‌باشد، مانعی بر سر این راه محسوب می‌گردد. این رویکرد حتی در میان اعضاء اتحادیه اروپا هم طرفداران اندکی دارد. توسعه قانون اروپایی به سود شرکت‌های اروپایی است و همکاری با طرف ثالث را تسهیل می‌کند و اتحادیه با شرکای خود مانند سرنشینان یک تاکسی به‌طور یکسان و بدون در نظر گرفتن شرایط متفاوت آنها تعامل می‌کند که مجموعه موارد فوق، خلاف اصل مشارکت برابر است.

به هر حال فقدان هدف مشخص برای همکاری، بزرگ‌ترین مشکل است. آرزوی‌های شریک روسیه از دهه ۹۰ میلادی به‌طور چشم‌گیری تغییر کرده است. امروز مسکو و بروکسل به دنبال بازار مشترک انرژی هستند که در نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا- روسیه حول انرژی تا سال ۲۰۵۰ آمده است. این اهداف به دلیل دریافتهای متفاوت طرفین از حوزه انرژی و فعالیت‌های خارجی به راحتی قابل شفاف‌سازی نیستند. اتحادیه اروپا در پی آزادسازی حداکثری بر اساس قانون مشترک اروپایی است، در حالی که روسیه به دنبال تضمین بیشینه‌سازی سود با کنترل بر خطوط لوله و دسترسی به مصرف‌کننده قطعی است.

بخش انرژی به سیاست و اقتصاد گره خورده است و از این رو، مسئله امنیت ملی و سود بالای طرفین، مدنظر است. هر دو طرف بر سیاست‌زدایی از حوزه انرژی و توجه محض اقتصادی به موضوع تأکید دارند اما دیدگاه‌ها نسبت به موضوع متفاوت است. اتحادیه اروپا در

^۱. Green Paper

صدد ادغام روسیه در نظام بازار خود است در حالی که روسیه خواستار بیشینه‌سازی درآمدها است. امواج سیاسی مانند پذیرش اعضاء جدید در اتحادیه اروپا تا قطع گاز بارها بر روابط طرفین تأثیر گذاشته است.

اتحادیه اروپا پذیرفته نشدن هنجارهای خود از سوی مسکو را دلیلی بر سیاسی کردن موضوع می‌داند و روسیه به واسطه سیاست خارجی خاص خود این رویکرد را دخالت در امور داخلی خود تلقی می‌کند. به دلایل تاریخی، مسئله برخی کشورهای اروپایی از قابلیت بیشتری برای سیاسی شدن برخوردار است؛ مثلاً لهستان و کشورهای حوزه بالتیک، مسئله با این واقعیت تشدید می‌شود که سرعت آزادسازی، بیش از سرعت احداث خط لوله و زیرساخت‌ها است. از این رو، می‌توان گفت که بازار انرژی داخلی در اروپا تنها به روی کاغذ وجود دارد (Romanova, 2013: 1-4).

ابهام در روابط خارجی اتحادیه اروپا یکی دیگر از عوامل واگرایی است. از طرفی اتحادیه اروپا صحبت از وحدت می‌کند و از سوی دیگر استقلال قابل توجهی برای اعضاء خود برای عمل و توسعه روابط قایل است. بنابراین اتحادیه اروپا در دو سطح اتحادیه و اعضاء، روابط خود را با روسیه برقرار می‌کند، اما اختلاف قابل توجه بین اعضاء در خصوص توسعه روابط با روسیه باعث عدم انسجام قابل توجه در موضع اتحادیه اروپا شده است. علاوه بر این، ساختار فرهنگی، سیاسی و اداری روسیه متفاوت از اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا تمایل دارد مسئولیت‌های زیادی را به مناطق، سطوح پایین‌تری از دولت مرکزی و نهادهای فنی واگذار کند. اما نظام سیاسی روسیه تمرکزگرا است و این در مواردی باعث سیاسی شدن موضوعات می‌شود، موضوعاتی که امکان حل آن توسط کارشناسان و مقامات پایین‌دستی در یک زمینه خاص و حتی مقامات محلی وجود دارد.

بر اساس نقشه راه همکاری اتحادیه اروپا-روسیه در حوزه انرژی، تا سال ۲۰۵۰ جهان شاهد تغییرات ژرفی در فناوری و سیستم‌های انرژی خواهد بود. در روابط گازی اتحادیه اروپا-روسیه، هر دو طرف با چالش‌های جدیدی مواجه خواهند بود. به منظور کاهش ناپایداری در روابط اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه گاز، روسیه باید چشم‌اندازهای بلندمدت تقاضای اتحادیه اروپا برای گاز روسیه را معرفی نماید. برای روسیه تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و نقش خود در بازار گاز اتحادیه اروپا از اهمیت بسیاری برخوردار است. به این ترتیب، اتحادیه اروپا باید از توانایی روسیه در درازمدت جهت عرضه

گاز به اروپا آگاه باشد. از این منظر، اتحادیه اروپا تمایل دارد صنایع بالادستی روسیه بیشتر بر پایه سرمایه‌گذاری به لحاظ بین‌المللی رقابتی باشد تا امکان سرازیر شدن سرمایه‌گذاری پایدار اروپا به این کشور فراهم آید. بنابراین، اتحادیه اروپا باید بتواند تصمیمات روسیه در خصوص توسعه زیرساخت و منابع گاز را با در نظر گرفتن استلزامات روسیه برای عرضه گاز به اتحادیه اروپا در آینده، دنبال نماید. در روابط اتحادیه اروپا و روسیه در خصوص گاز مخاطراتی وجود داشته و خواهد داشت. کاهش این مخاطرات به سطحی قابل قبول، مستلزم شناخت این مخاطرات و ارائه راه‌کارهایی جهت کاهش آنها است. بر اساس بررسی شورای مشورتی گاز، این مخاطرات را عمدتاً می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- مخاطرات عرضه و تقاضای انرژی؛

- مخاطرات مربوط به زیرساخت و تدوین؛ و

- مخاطرات سیاسی (Roadmap EU-Russia 2013: 13-14).

مخاطرات عرضه و تقاضای انرژی بین روسیه و اتحادیه اروپا سه مورد را شامل

می‌شود:

الف) کاهش تقاضای گاز اتحادیه اروپا در دوره پس از سال ۲۰۰۸ پدیده‌ای دائمی است تا موقتی و به رغم کاهش مورد انتظار در تولید داخلی گاز، تقاضای اتحادیه اروپا برای گاز، از سال‌های ۱۲-۲۰۰۹ بیشتر نخواهد شد. حتی تا سال ۲۰۳۰ و پس از آن کاهش نیز خواهد یافت؛

ب) سهم بازار گاز روسیه می‌تواند تحت تأثیر رقابت سایر عرضه‌کنندگان، صنایع و منابع انرژی قرار گیرد؛

ج) اتحادیه اروپا بیش از آنکه در حال حاضر انتظار می‌رود به گاز روسیه وابسته است و تمهیدات تجاری، نظم‌بخش و سیاسی را به این منظور در نظر خواهد گرفت.

مخاطرات مربوط به زیرساخت و تدوین به چهار دسته قابل تقسیم می‌باشند:

الف) روسیه قادر نخواهد بود به کشورهای اتحادیه اروپا گاز بدهد، خصوصاً با وجود قراردادهای فعلی و بلندمدت تأمین گاز، طبق ظرفیت و مقرراتی که در آن قراردادهای تعیین شده است؛

ب) انتقال گاز روسیه بر حسب قراردادهای فعلی، تحت چارچوب تدوینی جدید، بیش

از زمان جاری هزینه خواهد برد؛

ج) شرایط زیست محیطی برای سرمایه‌گذاری‌های در مقیاس وسیع در حوزه صنایع گازی ناپایدار خواهد ماند و ممکن است بعضی سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت عقیم بماند؛

د) زیرساخت‌های فعلی، ظرفیت نیازهای جدید اتحادیه اروپا به واردات گاز را نخواهد داشت و زیرساخت جدید به میزانی که پاسخ‌گو باشد احداث نشده است.

مخاطرات احتمالی سیاسی نیز دو مورد را در بر می‌گیرد:

الف) سیاست‌های داخلی انرژی طرفین تحت تأثیر عوامل سیاست خارجی به دلیل بی‌ثباتی هزینه‌های اقتصادی، توسعه صنعتی و مقبولیت زیست‌محیطی گزینه‌های سیاسی گوناگون، به اندازه کافی قابل پیش‌بینی نیست؛

ب) سیاست همکاری استراتژیک اتحادیه اروپا- روسیه در حوزه انرژی نمی‌تواند در چنین محیط نامعلومی به اندازه کافی پایدار و آینده‌ساز باشد.

نتیجه‌گیری

روابط انرژی روسیه- اتحادیه اروپا حاصل تعامل نیروهای پیچیده ژئوپلیتیک، اقتصادی، انرژی و سیاسی- امنیتی و متأثر از وابستگی متقابل نامتقارن طرفین به تجارت انرژی است که در نتیجه آن به‌رغم وابستگی مطلق تعداد معدودی از کشورهای کوچک اروپای شرقی و حوزه بالتیک به واردات گاز از روسیه در مجموع وابستگی اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه رو به کاهش است.

وابستگی متقابل نامتقارن، دو مفهوم حساسیت و آسیب‌پذیری را در درون خود جای می‌دهد که در رابطه انرژی اتحادیه اروپا- روسیه به نظر می‌رسد حساسیت و آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا به نسبت روسیه کمتر است؛ چراکه اتحادیه اروپا با روی آوردن به منابع جایگزین انرژی یا دیگر تأمین‌کنندگان انرژی تا حدودی قادر به جایگزین ساختن جریان عرضه انرژی از سوی روسیه می‌باشد. در حالی که روسیه حداقل در کوتاه مدت و میان مدت، جایگزین مناسبی برای تنوع بخشیدن به مشتریان انرژی خود و یا تأمین منابع مالی مورد نیاز از راهی جز فروش منابع خام انرژی (نفت و گاز) نخواهد داشت. البته تمامی اعضای اتحادیه اروپا از این موقعیت بهره‌مند نیستند؛ به نحوی که در زمینه روابط انرژی، حساسیت و آسیب‌پذیری دولت‌هایی که اخیراً به عضویت اتحادیه اروپا در آمده‌اند در برابر مسکو بسیار شدید است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که با گسترش اتحادیه اروپا، عدم تقارن موجود

در روابط انرژی این اتحادیه با روسیه در مجموع رو به کاهش بوده و با گسترش بیشتر اتحادیه اروپا کمتر نیز خواهد شد.

روسیه- اتحادیه اروپا دو فرصت مهم برای ایجاد مبانی حقوقی همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی داشته‌اند، یعنی گفتگوها درباره منشور انرژی در سال ۱۹۹۱ و معاهده منشور انرژی در سال ۱۹۹۴. مسکو در تنظیم این اسناد نقش فعالی داشته، اما از تصویب آن خودداری کرده است. همچنین ایده‌هایی در سال ۱۹۹۴ هنگام مذاکرات در خصوص «موافقت‌نامه مشارکت و همکاری» شکل گرفت. به واسطه بی‌توجهی به مسئله انرژی و با هدف پرکردن خلاءهای مذاکرات قبلی در سال ۲۰۰۰ «گفتگوی انرژی» روسیه- اتحادیه اروپا شکل گرفت. امکان همکاری بیشتر در «نقشه راه حوزه‌های مشترک اقتصادی» در سال ۲۰۰۵ و ابتکار «مشارکت برای نوسازی» در سال ۲۰۱۰ پی‌گیری شد.

انرژی همچنان به عنوان موضوع اصلی گفتگوی طرفین باقیمانده است و عدم توافق بر سر سازماندهی روابط انرژی و تلاش اروپا برای تسری دادن قوانین و هنجارهای خود به طرف روسی و سیاسی شدن ادواری مسئله انرژی از موانع دستیابی به یک توافق راهبردی بر سر مسئله انرژی بوده است. بازتعریف اقتصادی از امنیت انرژی اتحادیه اروپا در راستای منافع روسیه و اتحادیه اروپا است. اگرچه همچنان مشکلاتی چون شیوه نزدیک کردن دیدگاه‌ها، آزادسازی اقتصادی، دریافت‌های متفاوت از عمل متقابل و وجود اختلاف در ایجاد گفتگو بین بخش‌های خصوصی و دولتی کماکان وجود خواهد داشت.

به رغم وابستگی نامتقارن روسیه- اتحادیه اروپا به منابع فروش و واردات منابع انرژی، هدف از همکاری استراتژیک در بخش گاز، می‌تواند توسعه زیرساخت گازی پان-اروپایی و ایجاد بازارهای باز، شفاف، کارآمد و رقابتی گاز باشد که هر تولیدکننده‌ای (از جمله روسیه) قادر به فروش و مصرف‌کنندگان قادر به خرید گاز، بدون هیچ مانع، قوانین تبعیض‌آمیز و تحویل در هر مکانی و با قیمت مناسب باشند؛ آرزویی که برگرفته از «نقشه راه ۲۰۵۰ همکاری انرژی روسیه- اتحادیه اروپا» می‌باشد.

به باور نویسندگان، از منظر ایجابی، تلاش طرفین برای سیاست زدایی از حوزه انرژی و جایگزینی ملاحظات انرژی و اقتصادی به جای ملاحظات امنیتی-سیاسی می‌تواند به توسعه روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا کمک کند. از بعد سلبی نیز بهره‌گیری روسیه از اهرم انرژی به عنوان یک سلاح و تلاش اروپا برای توسعه منابع جایگزین و نادیده گرفتن منافع

اقتصادی روسیه (که همچنان به درآمدهای انرژی خود برای خلاصی از مشکلات باقیمانده از دوران پس از فروپاشی نیاز دارد) به هیچ عنوان سازنده نیست.

منابع و مآخذ

- شعیب، بهمن (۱۳۸۸)، «نقش انرژی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵.
- صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۰)، «راهبرد سیاست انرژی روسیه در اوراسیا: فرصت‌ها و موانع»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره اول.
- واعظ مهدوی، معصومه (۱۳۷۵)، «تلاش برای تبیین نظام بین‌المللی: وابستگی متقابل یا وابستگی یک جانبه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰.
- Bilgin, Mert (2011), "Energy Security and Russia's Gas Strategy: The Symbiotic Relationship between the State and Firms", *Communist and Post-Communist Studies*, Vol. 44, No. 4.
- "BP Statistical Review of World Energy (2013)", *BP*, June, Available at: http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/statistical-review/statistical_review_of_world_energy_2013.pdf (Accessed on: 2013-08-17, 8:50 PM).
- Crane, George & Amawi, Abla (1997), *The Theoretical Evolution of International Political Economy: A Reader*, New York: Oxford University Press.
- Energy production and imports (2012), *European Commission*, August, Available at: http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/Energy_production_and_imports (Accessed on: 2013-08-15, 10:12 AM).
- Europe's Energy Security: Options and Challenges to Natural Gas Supply Diversification (2013), *Congressional Research Service*, August 20, available in <http://www.fas.org/sgp/crs/row/R42405.pdf> (Accessed on: 2013-08-16, 11:00 AM).
- EU-Russia cooperation (2012), *European Commission*, August, Available in http://ec.europa.eu/europeaid/where/neighbourhood/country-cooperation/russia/russia_en.htm (Accessed on: 2013-08-18, 7:45 PM).
- Green Paper: A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy (2006), Commission of the European Communities, Available at: http://europa.eu/documents/comm/green_papers/pdf/com2006_105_en.pdf (Accessed on: 2013-08-03, 2:30 PM).
- Gurbanov, Ilgar (2013), "Russia-EU Energy Relations: from Cooperation toward Contradictions", *Wise Men Center For Strategic Studies (Bilgesam)*, pp. 1-2, Available at: http://www.bilgesam.org/en/index.php?option=com_content&view=article&id=580:russia-eu-energy-relations-from-cooperation-toward-contradictions&catid=104:analizler-rusya&Itemid=133 (Accessed on: 2013-08-04, 9:00 AM).

- Jarblad, Andreas (2003), *The global political economy of transnational Corporations: A Theory of Asymmetric Interdependence*, Lulea: Lulea University Press.
- Keohane, Robert & Nye, Joseph (2001), *Power and Interdependence*, New York: Longman.
- Milatschew, Valentina (2012), "EU-Russia Energy Relations: How Russia's Power Affects its Willingness to Cooperate with the European Union in Gas Related Matters", *University of Twente*, Available At: http://essay.utwente.nl/61841/1/Bachelor_V._Milatschew_EU-Russian_energy_relations.pdf (Accessed on: 2013-08-04, 12:17 AM).
- Molis, Arunas (2011), "Rethinking EU- Russia Energy Relations: What Do the Baltic States Want?", *SPES Policy Papers*, Available at: http://www.iep-berlin.de/fileadmin/website/09_Publikationen/SPES_Policy_Papers/SPES_Policy_Papers_2011_MOLIS.pdf (Accessed on: 2013-08-04, 12:08 AM).
- Noel, Pierre (2009), *A Market Between us: Reducing the Political Coast of Europe's Dependence on Russian Gas*, Cambridge University, Available at: <http://www.eprg.group.cam.ac.uk/wp-content/uploads/2009/06/binder13.pdf> (Accessed on: 2013-08-04, 12:33 AM).
- OAO Gazprom (2006), "Gazprom in Figures 2001-2005", *Gazprom*, Available At: http://www.gazprom.com/f/posts/57/005321/statistika_eng_2001-2005.pdf (Accessed on: 2013-08-14, 5:20 PM).
- Piebalgs, Andris & Shamatko, Sergey (2009), "Energy Dialogue EU-Russia", *The Tenth Progress Report, Presented by the European Commissioner on Energy Issues*, Available at: http://ec.europa.eu/energy/international/bilateral_cooperation/russia/doc/reports/progress10_en.pdf (Accessed on: 2013-08-04, 8:52 AM).
- Paillard, Christophe-Alexandre (2010), "Rethinking Russia: Russia and Europe's Mutual Energy Dependence", *Journal of International Affairs*, Vol. 63, No. 2 (Spring/Summer).
- "Progress Report Agreed by the Coordinators of the EU- Russia Partnership for Modernization for Information to the EU- Russia Summit of 21th December 2012" (2012), *European External Action Service (EEAS)*, Available at: http://eeas.europa.eu/russia/docs/2012_p4m_progress_report_signed_en.pdf (Accessed on: 2013-08-04, 12:27 AM).
- "Roadmap EU-Russia Energy Cooperation until 2050" (2013), *European Commission*, Available at: http://ec.europa.eu/energy/international/russia/doc/2013_03_eu_russia_roadmap_2050_signed.pdf (Accessed on: 2013-08-04, 9:00 AM).
- Romanova, Tatyana (2009), "The EU-Russian Energy Dialogue: What Causes Limited Progress?", Paper Presented at the Annual Meeting of the ISA's 50th Annual Convention: *Exploring the Past, Anticipating the Future*, New York Marriott Marquis, New York City, 15 Feb, Available at:

http://citation.allacademic.com/meta/p_mla_apa_research_citation/3/1/0/4/9/p310491_index.html?phpsessid=7b5cdb4af2423aac0c573720075bc6d0 (Accessed on: 2013-08-03, 5:48 PM).

- Romanova, Tatyana (2010), "Energy Security without Panic", *Russia in Global Affairs*, Available at:

http://eng.globalaffairs.ru/number/Energy_Security_Without_Panic-14900 (Accessed on: 2013-08-03, 2:48 PM).

- Romanova, Tatyana (2011), "EU-Russia Paper: The Level-of-Analysis Problem in the Past, Present and Future of EU-Russia Relations", *The Centre for EU-Russia Studies (CEURUS)*, Available at:

<http://ceurus.ut.ee/wp-content/uploads/2011/06/Romanova-20111.pdf> (Accessed on: 2013-08-03, 2:56 PM).

- Romanova, Tatyana (2013), "Russia- EU Energy Ties, Problems and Possibilities", *Russia International Affairs Council (RIAC)*, Available at: http://russiancouncil.ru/en/inner/?id_4=1790#top (Accessed on: 2013-08-04, 9:12 AM).

- Romanova, Tatyana & Zaslavskaya, Natalia (2004), "EU-Russia Towards the Four Spaces", *Baltic Defense Review*, No. 12, Vol.8, Available at: <http://www.bdccl.ee/files/docs/bdreview/bdr-2004-12-sec3-art4.pdf> (Accessed on: 2013-08-03, 3:06 PM).

- Russian Business Expansion (2008), *Russian Analytical Digest*, No. 34, 5 February, Available at: <http://www.css.ethz.ch/publications/pdfs/RAD-34.pdf> (Accessed on: 2013-08-04, 9:12 AM).

- Smith, Keith (2010), "Russia-Europe Energy Relations, Implications for U.S. Policy", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, Available at: http://csis.org/files/publication/100218_Smith_RussiaEuropeEnergy_Web.pdf (Accessed on: 2013-08-03, 6:08 PM).

- Summary of Treaty (2013), *European Commission*, February, Available at: <http://ec.europa.eu/world/agreements/prepareCreateTreatiesWorkspace/treatiesGeneralData.do?step=0&redirect=true&treatyId=201> (Accessed on: 2013-08-03, 5:00 PM).

- Tichý, Lukáš (2012), "Controversial Issues in the EU-Russia Energy Relations", In: Majer, M & Ondrejcsák, R & Tarasovič, V. (eds.), *Panorama of Global Security Environment*, Bratislava: CENAA, Available at: http://cenaa.org/analysis/wp-content/uploads/2013/02/Tichy_final.pdf (Accessed on: 2013-08-03, 5:58 PM).

- Wagner, Christopher (2012), "Europe's Dependency on Russian Gas, or Russia's Dependency on European Money? Trade Relations and Security Issues", *PECOB*, Available at: <http://www.pecob.eu/do-europe-and-russia-depend-on-each-other-for-gas-and-money-respectively>.